

نویسنده: پیمان صالحی (Peiman Salehi)

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2026-03-09».

برگردان: پوهندوی دوکتور «طب» سیدحسام «مل»

زیر آتش، نه تفرقه: چرا جبهه قومی ایران شکاف برنداشته است

*Under fire, not divided: Why Iran's ethnic
front has not cracked*

قرار بود جنگ آمریکا و اسرائیل ایران را بر اساس خطوط قومیتی تجزیه کند. در عوض، مرحله آغازین حمله نشان می‌دهد که واشنگتن یک واقعیت کلیدی را اشتباه فهمیده است: تنوع به معنای شکنندگی نیست.

The US-Israeli war was meant to fracture Iran along ethnic lines. Instead, the opening phase of the assault suggests Washington misunderstood a key reality: diversity does not equal fragility.

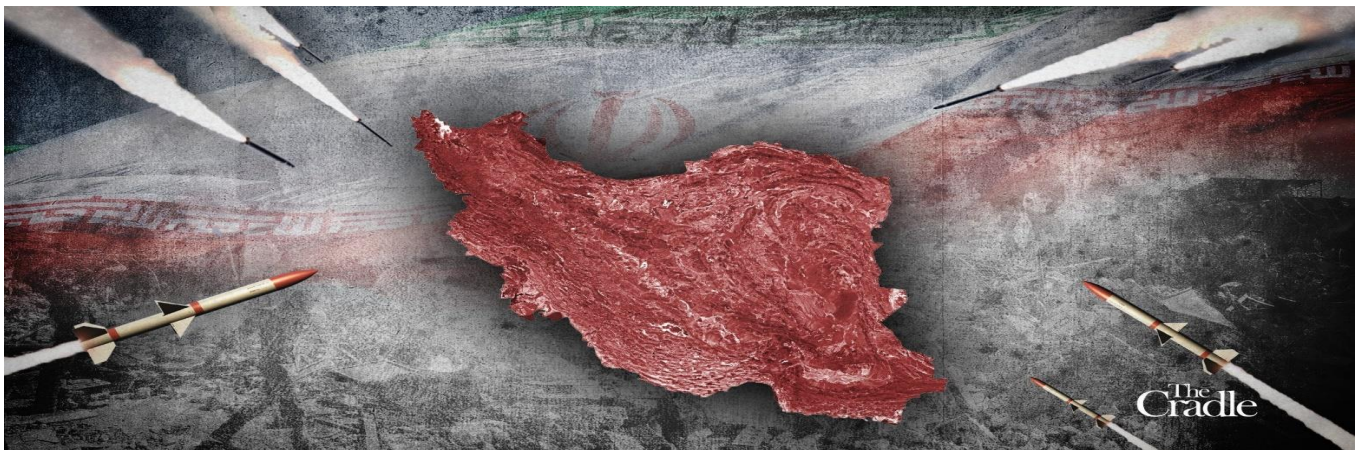


Photo Credit: The Cradle

جنگ‌هایی که شامل کشورهای بزرگ و متنوع می‌شوند، اغلب یک فرض آشنا را در میان ناظران خارجی ایجاد می‌کنند: فشار نظامی پایدار در نهایت شکاف‌های داخلی را آشکار خواهد کرد. از زمان آغاز حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران، انتظارات مشابهی در تفسیرهای سیاسی و تحلیل‌های رسانه‌ای منتشر شده است.

بسیاری از تحلیلگران پیش‌بینی کردند که این جنگ ممکن است خطوط گسل قومی ایران را فعال کند، به ویژه در استان‌های غربی که جوامع کرد در نزدیکی مرز عراق زندگی می‌کنند و چندین گروه مسلح مخالف کرد در آنجا فعالیت دارند.

با این حال، تحولات داخل ایران تاکنون این فرض را رد کرده است.

به جای ایجاد فشار گریز از مرکز، به نظر می‌رسد این حملات حس انسجام ملی گسترده‌تری را در بسیاری از نقاط کشور تقویت کرده است - از جمله مناطقی که تحلیلگران خارجی اغلب آنها را در برابر ناآرامی‌های جدایی‌طلبانه آسیب‌پذیر نشان می‌دهند.

برداشت نادرست از تنوع ایران

ترکیب قومی ایران مدت‌هاست که از طریق یک چارچوب بیش از حد مکانیکی تفسیر می‌شود. این کشور یک دولت-ملت همگن نیست. جوامع بزرگ آذری، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن در سراسر کشور زندگی می‌کنند و چندین استان نیز جمعیت قابل توجهی از اهل سنت را در خود جای داده‌اند.

با این حال، تنوع در ایران هرگز به طور خودکار به جدایی‌طلبی تبدیل نشده است. قومیت و هویت ملی به شیوه‌های پیچیده‌تری از آنچه بسیاری از تحلیل‌های خارجی نشان می‌دهند، همپوشانی دارند.

برای مثال، آذری‌ها مدت‌هاست که عمیقاً در هسته سیاسی و نظامی کشور جای گرفته‌اند، در حالی که مناطق کردنشین، با وجود دوره‌های تنش، ادغام اقتصادی و اجتماعی خود را با نظام سیاسی گسترده‌تر ایران حفظ کرده‌اند. حتی اعضای بالاترین مقام رهبری ایران، از جمله مجتبی خامنه‌ای، رهبر تازه منصوب شده، از خانواده‌هایی با ریشه آذری هستند.

این هویت‌های همپوشانی، این روایت را که تفاوت قومی به تنهایی یک ضعف ساختاری است، پیچیده می‌کند.

با این وجود، تمرکز استراتژیک بر غرب کردنشین ایران در طول جنگ فعلی، نشان دهنده یک باور دیرینه در میان برخی از سیاست‌گذاران است که اختلافات قومی می‌توانند در لحظات بحرانی فعال شوند. طبق داده‌های ذکر شده توسط وال استرییت ژورنال (WSJ)، با استناد به ارقام سازمان نظارت بر درگیری ACLED، تقریباً یک پنجم حملات ایالات

متحد و اسرائیل به ایران در طول مرحله آغازین درگیری در استان‌های با اکثریت کردنشین در غرب کشور متمرکز بوده است.

در همین گزارش اشاره شده است که چندین مکان هدف قرار گرفته شامل تأسیسات پلیس، پاسگاه‌های مرزی و زیرساخت‌های امنیتی منطقه ای بوده‌اند. در عمل، این الگو نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان نظامی معتقد بودند که فشار بر این مناطق نه تنها ممکن است باعث اختلال امنیتی، بلکه باعث چندپارگی سیاسی نیز شود.

ستیزه‌جویی بدون کشش جمعی

گزارش‌های مربوط به جنبش‌های اپوزیسیون کرد، این انتظار را تقویت کرد. یک گزارش همزمان آسوشیتدپرس خاطر نشان کرد که چندین گروه مخالف کرد ایرانی مستقر در منطقه کردستان عراق اعلام کرده‌اند که در صورت گسترش درگیری، برای عملیات احتمالی آماده می‌شوند. در همان زمان، گزارش‌هایی از اربیل شرح داد که چگونه حملات ایران اردوگاه‌های متعلق به گروه‌های اپوزیسیون کرد تبعیدی در شمال عراق را هدف قرار داده است. مقامات ایرانی هشدار دادند که هرگونه تلاش جناح‌های جدایی‌طلب برای سوءاستفاده از جنگ با انتقام قاطع روبرو خواهد شد. مقامات فدرال عراق و مقامات دولت منطقه‌ای کردستان نیز تأکید کردند که خاک عراق نباید به سکوی پرتابی برای حملات علیه کشور‌های همسایه تبدیل شود.

بازیگران منطقه‌ای به وضوح خطرات را درک می‌کنند. یک مرز بی‌ثبات می‌تواند به سرعت کشور‌های همسایه را به یک رویارویی گسترده‌تر بکشاند.

حتی وزارت دفاع ترکیه علناً اذعان کرد که از نزدیک تحولات مربوط به پژاک و سایر سازمان‌های شبه نظامی کرد را زیر نظر دارد و هشدار داد که هرگونه تشدید فعالیت‌های جدایی‌طلبانه می‌تواند ثبات منطقه‌ای گسترده‌تر را تهدید کند. این اظهارات نشان می‌دهد که دولت‌های متعدد چقدر جدی با این احتمال که این درگیری ممکن است باعث ناآرامی در مرزهای غربی ایران شود، برخورد کرده‌اند.

با این حال، حضور گروه‌های مسلح به طور خودکار به معنای آغاز شورش‌های پایدار نیست.

اشتباه تحلیلی در اشتباه گرفتن وجود سازمانی با کشش سیاسی نهفته است. گروه‌هایی مانند پژاک، کومله و حزب آزادی کردستان وجود دارند و برخی از آنها تلاش کرده‌اند تا شبکه‌های خود را در دوره‌های تنش منطقه‌ای سازماندهی مجدد کنند.

اما پایگاه اجتماعی مورد نیاز برای یک قیام پایدار در داخل ایران موضوع دیگری است. جامعه کرد ایران از نظر سیاسی متنوع است. این جامعه شامل ملی‌گرایان، اصلاح‌طلبان، جنبش‌های مذهبی، فعالان چپ‌گرا و جوامعی است که منتقد دولت مرکزی هستند.

اما نسبت به استراتژی‌های ستیزه‌جویانه مورد حمایت قدرت‌های خارجی محتاط هستند. سازمان‌های مسلح می‌توانند از بی‌ثباتی سوء استفاده کنند. آنها نمی‌توانند مشروعیت اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کنند.

جنگ، خاطره و انسجام ملی

فشار نظامی خارجی نیز فضای سیاسی را به گونه‌ای تغییر داده است که بسیاری از ناظران خارجی آن را دست کم گرفته بودند. ایران در بحبوحه فشار اقتصادی قابل توجه مرتبط با تورم تحریم‌ها و اعتراضات قبلی وارد جنگ شد.

با این حال، حملات نظامی خارجی تمایل به تغییر شکل رابطه بین دولت و جامعه دارند. حتی شهروندانی که از دولت انتقاد می‌کنند، اغلب بین اختلافات سیاسی داخلی و مداخله خارجی تمایز قائل می‌شوند.

حمله آمریکا به یک مدرسه دخترانه در شهر میناب در جنوب ایران به نمادی قدرتمند در این زمینه تبدیل شد. گزارش آسوشیتد پرس نشان داد که حمله به مدرسه باعث محکومیت و درخواست تحقیقات در مورد نقض احتمالی قوانین بشر دوستانه بین‌المللی شد. تصاویر دانش‌آموزان کشته شده در جریان بمباران به سرعت در رسانه‌های اجتماعی ایران منتشر شد.

صرف نظر از روایت واشنگتن در مورد تضعیف دولت ایران، این تصور که غیرنظامیان، به ویژه کودکان، قربانی این درگیری شده‌اند، به طور چشمگیری لحن احساسی جنگ در داخل ایران را تغییر داد.

وقتی جنگ در سطح بین‌المللی به عنوان فشار بر یک دولت قاب بندی می‌شود اما در سطح محلی به عنوان خشونت علیه جامعه تجربه می‌شود، واکنش‌های سیاسی می‌توانند به سرعت تغییر کنند.

چنین حوادثی به جای ایجاد حمایت برای مداخله خارجی، اغلب همبستگی ملی را تقویت میکنند. در ایران، این واکنش توسط حافظه تاریخی و روایت‌های فرهنگی شکل گرفته است. جنگ هشت ساله ایران و عراق، از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، همچنان یکی از قدرتمندترین خاطرات جمعی در فرهنگ سیاسی مدرن این کشور است.

در طول آن درگیری، داوطلبانی از جوامع قومی و مذهبی مختلف برای دفاع از کشور در برابر آنچه که به طور گسترده به عنوان تجاوز خارجی تلقی می‌شد، بسیج شدند.

این میراث همچنان بر نحوه تفسیر فشار نظامی خارجی توسط بسیاری از ایرانیان امروز تأثیر می‌گذارد. نمادگرایی فرهنگی نیز نقش دارد. در سنت تاریخی شیعه، داستان

ایستادگی امام حسین علیه بی عدالتی در نبرد کربلا همچنان یک نقطه مرجع اخلاقی قدرتمند است. اگرچه این روایت ریشه در تاریخ مذهبی دارد، اما مدت ها است که در زبان سیاسی گسترده تر در مورد فداکاری، مقاومت و استقامت ادغام شده است.

مقامات ایرانی درگیری فعلی را با اصطلاحات مشابیهی چارچوب بندی کرده اند. علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، اخیراً به جناح های مخالف کرد هشدار داد که با جنگ به عنوان فرصتی برای دنبال کردن جاه طلبی های جدایی طلبانه برخورد نکنند.

او اظهار داشت که پروژه هایی که با هدف تجزیه ایران - به ویژه ایده های مربوط به جدا کردن مناطق کردنشین از کشور - انجام شده اند، تحت تأثیر واقعیت های درگیری از بین رفته اند.

نظر سنجی

آیا جنگ آمریکا و اسرائیل، پویایی داخلی ایران را اشتباه تعبیر کرده است؟

بله - تنوع قومی ایران، انسجام ملی را تقویت کرده است.

تا حدودی - تنش ها وجود دارند، اما اغلب توسط تحلیلگران خارجی اغراق می شوند.

خیر - اگر جنگ ادامه یابد، هنوز هم ممکن است شکاف های قومی عمیق تری پدیدار شود. برای قضاوت خیلی زود است - این درگیری به اندازه کافی طولانی نشده است تا بتوان قضاوت کرد.

۴۷ رأی، ۵ روز و ۱۳ ساعت باقی مانده است.

محدودیت های استراتژی های تجزیه

هیچ یک از این ها به این معنی نیست که خطر ناآرامی از بین رفته است.

سازمان های شبه نظامی کرد همچنان در آن سوی مرز فعال هستند و بازیگران خارجی ممکن است هنوز آنها را به عنوان ابزار های بالقوه فشار ببینند. یک جنگ طولانی می تواند پویایی های محلی را به شیوه های غیر قابل پیش بینی تغییر شکل دهد. با این حال، مرحله آغازین درگیری، محدودیت های استراتژی های ساخته شده بر اساس این فرض که تنوع قومی به تنهایی می تواند دولت ایران را دچار شکاف کند، نشان داده است.

اگر چیزی وجود داشته باشد، ممکن است پویایی مخالف در حال آشکار شدن باشد. فشار نظامی خارجی به طور موقت، درک یک چارچوب ملی مشترک را در جوامع متنوع ایران تقویت کرده است. هفته اول جنگ نشان داده است که جامعه شناسی سیاسی ایران هنوز در بسیاری از تحلیل‌های خارجی چقدر ضعیف درک شده است.

یک کشور می‌تواند از نظر قومی متنوع باشد، بدون اینکه از نظر سیاسی آنطور که بیگانگان تصور می‌کنند، شکننده باشد. نارضایتی‌های محلی به طور خودکار به شورش جدایی‌طلبانه تبدیل نمی‌شوند و سازمان‌های شبه‌نظامی لزوماً نماینده اراده سیاسی جوامعی نیستند که ادعای دفاع از آنها را دارند.

در روزهای اولیه جنگ، تمرکز حملات در غرب ایران به نظر می‌رسید برای آزمایش این موضوع طراحی شده بود که آیا کشور می‌تواند در امتداد شکاف‌های قومی خود تجزیه شود یا خیر.

تاکنون، نتیجه برعکس بوده است. فشاری که با هدف فعال کردن اختلافات داخلی ایران اعمال شده بود، در عوض چارچوب ملی گسترده‌تری را تقویت کرده است که بسیاری از ناظران انتظار داشتند تحت حمله خارجی مداوم دچار شکستگی شود.

----- **با احترام** «۱۴-۰۳-۲۰۲۶»

.....